

روزی که فضایی‌ها آمدند

نویسنده: رابت شکلی

تدوین و ترجمه: حسین شهرابی



کتابسرای قندیس

فهرست

یادداشتی درباره‌ی رابرت شکلی ۱۳
روزی که فضایی‌ها آمدند ۲۳
افسانه‌ی فاتحان ۳۹
درمان ناساز ۵۱
فرار آگاممنون ۷۹
اریکس ۱۱۳
حافظت ۱۴۳
هر چی مال تو، دوبراپرش مال او ۱۶۱
از کُردل به پیاز به هویج ۱۷۵
چیزی برای هیچ ۱۹۷
شکل‌تان را حفظ کنید ۲۱۵

اندیال، «کفن»؛ «له کاروس استاندار خوش اندیاد»، «خواب آنی عمق»،
«کنی»، «جرار جایت»، «زیارت زمین»، «برده». سوای اکادمی فاتحی (تا
آن‌جا تکه من خود خارم) تنها دو داستان دیگر از رابرت شکلی به فارسی منتشر
شده‌اند.

کلی مسلکی حکایت‌ها و شخصیت‌های جان‌مایه‌ی داستان‌های روبرت شکلی
بستری داستان‌های ونده‌گات تنه می‌زند؛ به همان سیوه که گندی‌های بدبانده‌ی
حکایت‌ها را در اینجا معرفی نمی‌کنند، اینجا اینجا از آنها خاطر نموده اورد. این‌جایی که در داشتمان‌کلامی باز هم

یادداشتی درباره‌ی رابرт شکلی

کاهنه مرده است؟

نوشته‌ی فرزاد خلیلیان

۱

گویا گفته‌ای منسوب به اینشتین وجود دارد که به نظرش دو چیز
بی‌انتهایست: حماقت بشر و تعداد کهکشان‌ها. البته آخرسر یادش نمی‌رود که
اضافه کند در دومی شک دارد. تا جایی که می‌دانم اینشتین در مورد تعداد
کهکشان‌ها سکوت پیشه کرد. یا حتی بر عکس؛ مخاطب این نوشته شاید به یاد
سیاورد که چطور در مواجهه با اصل عدم قطعیت و گربه‌ی شرودینگر جمله‌ای
پراند مبنی بر این که مدار کائنات بر تاس انداختن نمی‌چرخد. شاید بشود
این طور استنباط کرد که آلبرت عزیز نه تنها میانه‌ی خوبی با گربه‌ها ندارد، بلکه
آدم متین و موقری است که نمی‌خواهد از نظم کائنات دل بکند.

به هر حال بعيد است آدمی که برای نشان دادن حس شوخ‌طبعی‌اش مو
مشوش می‌کند و در سلفی‌اش زبان درمی‌آورد آدم طنازی هم باشد. خلاصه
غرض این که اینشتین احتمالاً آدم مناسب شوختی با کائنات نیست. به همین
خاطر این جا می‌خواهیم آدم مناسب قضیه را معرفی کنیم؛ یعنی جناب آفای
رابرت شکلی.